Archive of SID.ir

The Moral Value of Universal Justice: The Multiplicity of Identities of the Forces Involved in the Economic Tensions Caused by Injustice and Discrimination and Its Impact on the Management of Unrest

M. Ashjari[1], M. Maghsoudi Ph.D.[2*], A. Morshidizad Ph.D.[3], M. Tohidfam Ph.D.[2]

1. *Ph.D. Student in Political Sociology, Science & Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*
2. *Dept. of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.*
3. *Dept. of Political Science and Islamic Revolution Studies, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.*

Review article (Narrative Review)

Abstract

Background: Justice is one of the most important moral values and it is the condition for the emergence of many other moral values in the social, economic and political fields. One of the components that shows injustice in a society is economic discrimination. Economic discrimination creates economic tensions, and at this time, multiple socio-cultural identities can lead to the creation or worsening of unrest caused by economic tensions. How to manage unrest and the degree of correlation of multiple identities in tensions and unrest is the main issue of this research. In this article, looking at the moral principle of universal justice at the level of society, the plurality of identities of the forces involved in the economic tensions caused by injustice and discrimination in Iran in 1992-1998 are discussed and then its effect on the management of unrest is examined.

Conclusion: The results of the research showed that the riots and tensions that have identity characteristics arising from the elements of "economic discrimination" and "universal justice" first of all, in the conditions of riots, create unity in the different and plural identities of students and workers. And this is due to the discursive elements of failure for civil progress and modernization, and secondly, the tensions and unrest that were not managed solely through repression and security, the tensions, contrary to their strains, have caused a functional survival in the defense of national and historical identity.

Keywords: *Ethics, Universal justice, Economic discrimination, Multiple identities*

***Corresponding Author:** M. Maghsoudi, Dept. of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Maghsoodi.mojtaba42@gmail.com

How to cite: M. Ashjari, M. Maghsoudi, A. Morshidizad, M. Tohidfam. the moral value of universal justice: the multiplicity of identities of the forces involved in the economic tensions caused by injustice and discrimination and its impact on the management of unrest. Ethics in Science and Technology. 2024,19(1): 26-33.

Vol. 19, No. 1, 2024

Copyright © 2024 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ارزش اخلاقیِ عدالت همگانی: تکثر هویتی نیروهای درگیر در تنش های اقتصادیِ ناشی از بی عدالتی و تبعیض و تاثیر آن بر مدیریت ناآرامی ها

مهرنوش اشجاری[۱]، دکتر مجتبی مقصودی[۲*]، دکتر علی مرشدی زاد[۳]، دکتر محمد توحیدفام[۲]
۱.دانشجوی دکترای جامعه شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲.گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳.گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت:۱۴۰۱/۸/۱۷، تاریخ پذیرش:۱۴۰۱/۱۰/۱۸)

چکیده

زمینه: عدالت از مهم ترین ارزش های اخلاقی است و شرط پدید آمدنِ بسیاری از ارزش های اخلاقیِ دیگر در حوزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. یکی از مولفه هایی که نشانگر بی عدالتی در یک جامعه است تبعیض اقتصادی است. تبعیض اقتصادی تنش های اقتصادی را به وجود می آورد و در این زمان هویت های متکثر فرهنگی–اجتماعی می تواند منجر به ایجاد یا بغرنج تر شدن ناآرامی های ناشی از تنش های اقتصادی شوند. چگونگی مدیریت ناآرامی ها و میزان همبستگی هویت های متکثر در تنش ها و ناآرامی ها مسئله اصلی تحقیق حاضر است. در این مقاله با نگاهی بر اصل اخلاقی عدالت همگانی در سطح جامعه، تکثر هویتی نیروهای درگیر در تنش های اقتصادیِ ناشی از بی عدالتی و تبعیض در سال های ۹۲–۹۸ ایران مورد بحث قرار گرفته و سپس تأثیر آن بر مدیریت ناآرامی ها بررسی شده است.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق نشان دادند که ناآرامیها و تنش هایی که دارای خصیصه های هویتی برخاسته از عناصر "تبعیض اقتصادی " و "عدالت همگانی" دارند اولاً در شرایط ناآرامی ها سبب پدید آوردن یکپارچگی در هویت های مختلف و متکثر دانشجو و کارگر می شوند و این امر به سبب عناصرِ گفتمانی ناکامی برای پیشرفتهای مدنی و نوگرایی است و ثانیاً تنش ها و ناآرامی هایی که مدیریت آنها صرفاً از طریق سرکوب و امنیتی شدن نبوده، تنش ها برخلاف سویه های آنها سبب بقای کارکردی در دفاع از هویت ملی و تاریخی گشته است.

کلیدواژگان: اخلاق ، عدالت همگانی، تبعیض اقتصادی، هویت های متکثر

سرآغاز

عدالت[۱] در معارف الهی و بشری و در تمامی حوزه های فکری، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی و مانند آن قابل بحث است. عدالت به عنوان ستون فقرات هر جامعه است و بی عدالتی در جامعه عامل اصلی بروز ناآرامی ها است. ناآرامی هایی اجتماعی[۲] که بواسطه بی عدالتی ، نابرابری و تبعیض اقتصادی[۳] بوجود می آید، از جمله مسائلی است که می تواند از رهگذر بحث هویت های اجتماعی یا بحث تکثر این هویت ها مطرح شود. بررسی عامل هویت های متکثر در همه زمینه ها و چاره جویی برای شناخت، پیش بینی، پیشگیری، مقابله و ترمیم آن بر اساس مدیریت ناآرامی ها بحثی است که علاوه بر نظام های سیاسی، سازمانهای فعال در بخش دولتی و غیردولتی، سایر بخش های اجتماعی و حتی خانوادگی و فردی قابل پیگیری است. در حوزه مدیریت ناآرامی محققان با حجم بسیاری از مطالعات جدید که وجود و چشم اندازهای مختلفی را بررسی می کنند، مواجه اند. میزان درک تأثیر تنش های اقتصادی در این ناآرامی ها و رابطه آن با هویت های متکثر بحثی است که می تواند زوایای جدیدی از این موضوع را هویدا کند و چالشهای آن را از منظر علمی واکاوی نماید. این موضوع در کشوری که در مسیر توسعه حرکت می کند، بسیار حیاتی است زیرا استمرار این شکافهای هویتهای اجتماعی، ناآرامی های بیشتری را در حوزه اجتماعی در پی خواهد داشت. این موضوع و تحلیل آن از طریق نظریه ها و مدلهای موجود و بدست دادن چارچوبی جدید برای بررسی آن ضروری است.

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی : Maghsoodi.mojtaba42@gmail.com

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بحث مدیریت ناآرامی مبتنی بر ارزیابی و سنجش مستمر قوتها و ضعف ها و همچنین فرصت ها و تهدیدهایی است که از عوامل داخلی و خارجی هر سیستم سیاسی بر آن حمل می شود بنابراین مهمترین وظیفه مدیریت ناآرامی شناخت و اصلاح عناصر مهم و تأثیرگذار در پدید آمدن ناآرامی ها است. در این زمینه لازم است که رویکرد ها و الگوهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد زیرا با شناسایی این الزامات و اقتضائات است که که می توان راهکاهای برای مدیریت ناآرامی بدست داد.

بحث هویت های متکثر از نظریه های لاکلا و موف است که در زمینه مداخله هژمونیک از آنها سود برده است. بر اساس این تئوری گفتمانها در برخی شرایط قادر می شوند تا اختلاف هایی که بر اساس هویتهای مختلف در یک کشور وجود دارند را بدون سرکوب حول یک دال مرکزی پیوند دهند. بنابراین دخالت هژمونیک نوعی بازسازی گفتمانی و مفصلبندی جدید و با توجه و شناخت به شرایط و با تکیه بر ابزارهای قدرت و اقناع ایدئولوژیک می باشد. یکی از مهمترین شکلهای این مداخله هژمونیک دولت و ملت سازی می باشد. این نیرویی است که می تواند بر نیروهای واگرا غلبه یا حداقل آن را خنثی نماید. در ایران نیز با وجود تکثر هویت و با توجه به پررنگ شدن تفاوتهای هویتی نظیر دانشجویان و کارگران و دامن زدن به برخی اختلافات اما با این حال افراد همین کشور در وضعیت های دارای تنش و ناآرامی مسائل و اختلافات پدید آمده از تکثر هویت ها همین تکثر را فراموش کرده و هویتی یکپارچه و نظم اجتماعی نوینی را تشکیل می دهند که به نظر به سبب ملیت ایرانی به عنوان عامل اتحاد بخش میان هویت های مختلف باشد. انتقاد و اعتراض هایی که سبب بروز ناآرامی ها می شود به شکل های مختلف در جوامع انسانی وجود دارد.

در این مقاله با نگاهی بر اصل اخلاقی عدالت همگانی در سطح جامعه، تکثر هویتی نیروهای درگیر در تنش های اقتصادیِ ناشی از بی عدالتی و تبعیض در سال های ۹۲-۹۸ ایران مورد بحث قرار گرفته و سپس تأثیر آن بر مدیریت ناآرامی ها بررسی شده است.

بحث

اصل اخلاقی عدالت همگانی

عدالت همگانی[۴] مفهومی است که اولین بار توسط ارسطو مورد تاکید قرار گرفت. عدالت همگانی ارسطو به نظر یک مفهوم اخلاقی است، نه قانونی، و آن چه ممکن است ارجاع قانونی وجود داشته باشد، تنها در تبعیت از ایده اخلاقی و در تشریح آن آورده شده است. ارسطو مشخصاً از عدالت به عنوان یک فضیلت متمایز یاد می کند و برداشت گسترده‌تر و مبهم افلاطونی از عدالت را کنار می گذارد(۱).

عدالت، در معنای همگانی آن، این اصل است که مردم آنچه را که سزاوار آن هستند، دریافت می کنند. ایده عدالت هم در اخلاق[۵] و هم در فلسفه حقوقی و سیاسی در کانون توجه قرار دارد. این مفهوم در مورد اقدامات فردی، قوانین و سیاست های عمومی به کار می رود. به طور کلاسیک، عدالت به عنوان یکی از چهار فضیلت اخلاقی اصلی (و گاهی به عنوان مهمترین فضیلت از این چهار) به شمار می رفت. در دوران مدرن، جان رالز آن را به‌عنوان «نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی» توصیف کرد (۲ و ۳). ممکن است بحث شود که کدام یک از این قلمروهای فلسفه عملی اولین ادعای عدالت را دارد: آیا برای مثال این عدالت در درجه اول از ویژگی های قانون است، و فقط به صورت مشتق شده متعلق به افراد و نهادهای دیگر است؟ اما احتمالاً روشن‌تر است که بپذیریم این ایده در طول زمان ریشه‌های عمیقی در هر یک از این حوزه‌ها پیدا کرده است.

عدالت مفهومی مجزا از برابری است و گاه این دو به اشتباه یکی انگاشته می شوند (۴). عدالت در زمینه های عملی مختلف معانی مختلفی به خود می گیرد و برای درک کامل آن باید با این تنوع دست و پنجه نرم کرد. معقول‌ترین نامزد برای تعریف اصلی عدالت از مؤسسه‌های ژوستینیان می‌آید، تدوینی از حقوق روم از قرن ششم پس از میلاد، که در آن عدالت به‌عنوان «اراده ثابت و همیشگی برای ادا کردن حق هر انسان» تعریف می‌شود. این البته تا زمانی که مشخص شود کاملاً انتزاعی است، اما چهار جنبه مهم عدالت را روشن می کند: عدالت و دعاوی فردی، عدالت، انفاق و تکلیف نافذ، عدالت و بی طرفی و در نهایت اجرایی شدن عدالت.

عدالت و تبعیض اقتصادی

یکی از ابعاد عدالت همگانی، عدالت اقتصادی[۶] است. کار شایسته و پرداخت سهم منصفانه از ویژگی های بارز عدالت و نشانی بر یک جامعه سالم است. در سرتاسر جهان، بیکاری، دستمزدهای پایین، فقر، شرایط کاری خطرناک، و قوانین مالیاتی نادرست باعث می‌شود شکاف طبقاتی افزایش یابد. تبعیض اقتصادی تبعیض مبتنی بر عوامل اقتصادی است. این عوامل می تواند شامل در دسترس بودن شغل، دستمزدها، قیمت ها و/یا در دسترس بودن کالاها و خدمات، و میزان سرمایه گذاری در دسترس اقلیت ها برای کسب و کار باشد. این می تواند شامل تبعیض علیه کارگران، مصرف کنندگان و مشاغل متعلق به اقلیت ها باشد.(۵)

موضوع تبعیض اقتصادی مربوط به مفاهیم انصاف، برابری نتیجه، و برابری فرصت است. تبعیض و نابرابری اقتصادی در بین جوامع در دوره‌های مختلف تاریخی و نیز در سیستم‌ها و ساختارهای اقتصادی مختلف، متفاوت است. این عوامل می‌توانند به توزیع مقطعی درآمد یا ثروت در هر دوره خاص یا به تغییرات درآمد و ثروت در دوره‌های بلند مدت اشاره کنند. شاخص‌های عددی مختلفی برای اندازه‌گیری نابرابری اقتصادی وجود دارد. یک شاخصی که به‌طور گسترده استفاده می‌شود ضریب جینی است اما روش‌های بسیار دیگری وجود دارد.

طیف گسترده ای از نظریه ها در مورد علل ریشه ای تبعیض اقتصادی وجود دارد. نژادپرستی[۷]، تبعیض جنسیتی[۸]، سن گرایی، قومیت یا ملیت دیگران، مانند سایر اشکال تبعیض، همیشه از اجزای تبعیض اقتصادی بوده است. برای مثال در بیشتر نقاط جهان، زنان در موقعیت‌های

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پایین‌تر، دستمزد کمتر، و فرصت‌های محدود مالکیت زمین یا انگیزه‌های اقتصادی برای ورود به مشاغل یا راه‌اندازی آن‌ها نگهداری می‌شوند. این مساله درباره اقلیت های نژادی و مذهبی نیز صدق می کند. این شکل از تبعیض اقتصادی معمولاً توسط هر گروهی که در آن زمان "در قدرت" هستند انجام می شود(۶). بنابراین در جوامعی با هویت های متکثر فرهنگی، قومیو نژادی احتمال ایجاد تبعیض اقتصادی بیشتر است.

تکثر هویتی در تنش های اقتصادیِ ناشی از بی عدالتی و تبعیض در سال های ۹۲-۹۸ ایران

بر اساس نظر لاکلا و موفه همه چیز در گفتمان[۹] وجود دارد و به عبارت دیگر هیچ چیزی خارج از گفتمان نمی‌تواند حائز معنا باشد. از نظراین دو هویت‌ها (حداقل در عصر کنونی) به شدت از طریق تعارضاتی که در گفتمان‌ها نمود پیدا می‌کنند شکل می‌گیرند. در نظریه گفتمان، فرد به مثابه یک سوژه خود مختار و آزاد وجود ندارد و به بیانی آلتوسری مردم توسط گفتمان‌ها استیضاح می‌شوند و در موقعیت‌های خاص سخن‌گویی قرار می‌گیرند و «سوژه‌ها را باید به مثابه موقعیت سوژه در یک ساخت گفتمانی فهمید»(۷). و از آنجایی که هیچ گفتمانی کاملا تثبت شده و تعیین یافته نیست، ازاین رو سوژه و یا به عبارتی هویت‌ها نیز هیچ گاه نمی‌توانند تعیین یابند و هیشه در حال تغییر و دگرگونی هستند. لاکلا علت چنین دگرگونی‌هایی را در تعارضات بین گفتمان‌ها می‌داند و ازاین رو به نظر وی هویت یک امر کاملا سیاسی است. «به طور کلی بازتولید معنا و تغییر نحوه انتساب معنا اعمالی سیاسی‌اند. نباید از سیاست در نظریه گفتمان تعریف محدودی مانند سیاست به شکل حزبی آن ارائه کرد؛ بلکه به عکس مفهوم گسترده‌ای است و به رفتاری اشاره دارد که طی آن پیوسته امر اجتماعی را به گونه‌ای می‌سازیم که سایر شیوه‌ها را طرد می‌کند» (۷).

هر گفتمان با مرکزیت بخشیدن به یک دسته از عناصر و مولفه ها و به حاشیه راندن برخی عناصر و مولفه های دیگر به مفصل بندی هویتهای کانونی و حاشیه ای به عنوان دو الگوی در تقابل با یکدیگر می پردازند که حاصل این فرایند تأسیس مرزهای هویت اصلیت یا غالب و خلق یک غیریت در برابر آن است. بر این اساس نتیجه گرفته می شود که گفتمان هویت خود را به واسطه نوع ارتباطی که با سایر گفتمانها دارند بازتعریف می کنند. گفتمان وقتی توانست به یک ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خود را تثبیت نماید به یک گفتمان هژمونیک تبدیل می گردد. زمانی که یک گفتمان نشاط خویش را از دست دهد و دچار تصلب و عدم انطباق با زیست بوم اجتماعی خود گردد زوال و افول آن شروع می شود(۸). گفتمان ها با استفاده از *زنجیره هم ارزی*، تفاوت موجود میان عناصر را از بین می برند و به نوعی وحدت و انسجام میان آنها کمک می کنند. در این معنا هویت های متکثر که دارای عناصر خصلت های متفاوت هستند، معناهای رقیب را از دست می دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می کند، منحل می شوند. منطق هم ارزی منطق ساده سازی فضای سیاسی است، اما در واقع هیچ هم امرزی نمی تواند به حذف کامل این تفاوت بینجامد(۹).

از مهمترین شاخصه های تکثر هویتی در تنش های سالهای ۹۲ تا ۹۸ ایران مرتبط با نگرش ایدئولوژیک و سپس قومیتی است. هر چند این موضوع شاید در تمام معترضان عمومیت نداشته باشد اما از نظر گفتمانی گسترش معناداری در میان کارگران و دانشجویان یافت. این موضوع از این لحاظ که به زبان عامیانه و عامه فهم برای معترضان ترجمه شد، در میان آنها خواهان یافت. در این نگرش که از سوی رسانه ها و شبکه های مختلف از ده سال پیش تا بحال در ذهن مخاطبان برساخت شده است، دوگانه هویتی «ناسیونالیسم آریایی[۱۰]» در مقابل ایدئولوژی جمهوری اسلامی است. این موضوع از این جهت دارای حیث قومیتی شد که هسته مرکزی آن را دوگانه فارس/عرب تشکیل می دهد و در طول تاریخ تنها دوره پهلوی بوده است که این هویت سازی قومی را در ایران شایع و به عنوان هویت اصیل ایرانیان بازنمایی کند. برخی شعارها در ناآرامی ها و تنش های دوره مذکور برای قشر کارگر در خصوص حمایت از پهلوی ها و یا شعارهای ضد «آخوند» و یا شعارهایی در خصوص محور مقاومت یعنی فلسطین، غزه، سوریه، یمن و لبنان بوده است. به بیانی این موضوع ایدئولوژیک دارای هسته های قومی نیز شده است. در این میان برخی کنش های گفتاری و قالب های بیانی مقامات جمهوری اسلامی نیز که عمدتا ناشی از نبود حفاظت گفتاری تعریف شده در سطح نظام است این پازل را تکمیل می کنند. گفتاری هایی مانند «اکنون نوبت بازسازی حلب فرارسیده است» «ما حاضریم خوزستان را از دست بدهیم ولی سوریه را نه» «تمام نیازهای حزب الله لبنان حتی پوشاک آن ها نیز از سوی جمهوری اسلامی تأمین می شود» و مانند آنها که البته بعضا شایعاتی است که متاسفانه غالبا تکذیب نمی شوند در چارچوب همین تکمیل پازل ایدئولوژیک معنا می یابد و مصداق و شواهدی برای ایدئولوژی سازی و قومیت گرایی[۱۱] فراهم می کند(۱۰).

در خصوص گروهها و اقشار شرکت کننده کارگر، تحلیل قومیتی اعتراضات دوره مذکور نیز می تواند جالب باشد، به طور کلی می توان گفت با وجود گسترده بوده اعتراضات به لحاظ جغرافیایی در پیشگام بودن شهرهای کوچک، اما این حرکت اعتراضی، مطالبات را قومی نکرد. حتی در خوزستان که اعراب ایران در آنجا حضور دارند، شعارها بر محوریت مطالبات منطقه ای و ملی بود و مطالبات هویتی قومی مطرح نشده، در تبریز که مطالبات قومی و هویتی همیشه برجسته بوده است، اساس اعتراض های خیابانی جدی صورت نگرفت. در سیستان وبلوچستان نیز با وجود نارضایتی های که پیمایش های ملی نشان می دهند. اما این نارضایتی ها به خیابان نیامد چه رسد به آنکه مطالبه قومی در میان باشد در کردستان و سیستان و بلوچستان بیشترین رای را به دولت روحانی داده بودند و مشارکت حداکثری در انتخابات سال ۹۶ داشتند. یکی از تحلیل گران کرد معتقد است بدنه اجتماعی کردستان، بیشتر متوجه تحولات سوریه، عراق و ترکیه است تا تحولات داخل ایران. اما حضور حداکثری مردم کردستان در انتخابات سال ۹۶، این

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه گیری را نقض می کند. مطالبات مذهبی[12] (به ویژه اهل سنت) نیز در این اعتراضات مطرح نشد. البته نارضایت های مذهبی که در ایران با نارضایتی قومی متراکم شده و دولت روحانی اقدام جدی در رفع برخی نارضایتی ها انجام نداد، اما مطرح نشد. البته انتصاب یک کرد سنی به عنوان سفیر ایران در ویتنام و تدریس زبان های ترکی و کردی در دانشگاههای تبریز و سنندج با عنوان دستاوردهای دولت مطرح می شود اما از نظر اهل تسنن، این امتیازات در مقابل محرومیت ها، بسیار محدود است و تغییر خاصی در وضعیت اهل سنت ایران صورت نگرفته است. در خوزستان، مسائل کارگری به ویژه کارگران هفت تپه و فولاد طی چند سال گذشته باعث شکل گیری اعتراضات خیابانی شده بود. علاوه بر مسائل کارگری در خوزستان مسئله ریزگرد ها و مسئله آب کارون از اساسی ترین دلایل تنش ها و ناآرامی های قومی در دوره مذکور بوده است(۱۱).

گسست هویتی نقش مهمی در پدید آمدن تنش ها و اعتراضات در دوره مذکور دارد. گسست هویتی بیش از آنکه در طول نسل ها عیان شود و نشان دهنده مفهوم گسست نسلی باشد نشانه هایی از بازنمود عینی گسست گفتمانی میان حاکمیت و مردم را در خود دارد. این گسست هویتی همین امروز هم در نحوه ابراز هویت تجسدی(اعم از نحوه تقید به حجاب زنان، اظهار نظر ها به اجباری یا اختیاری بودن حجاب) و همچنین رفتارهای بین جنسی به خوبی محسوس است. برای نسلی که از هویت گذشته خود یعنی هویت سنتی فاصله گرفته در هویت آینده خود هم به ثبات نرسیده و به طور خلاصه این که در طول زمان دچار گسست هویتی است گسست در عرض زمان و مقطع فعلی با فاصله انگاری نسبت به گفتمان رسمی حاکمیت تجربه مضاعف سردرگم کننده ای است. این سردرگمی که دورکیم آن را با مفهوم بی هنجاری معرفی می کند به سهم خود زمینه بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی و در عین حال واکنش های خشونت آمیز نسبت به حاکمیت را فراهم می آورد. با توجه به استمرار سیاست های ناپخته ای همچون طرح های ضربتی به نام «امنیت اخلاقی و مبارزه با بدحجابی»، «گشت نامحسوس پلیس» و مانند آن انتظار می رود با ادامه رویه فعلی شاهد مهاجرت ذهنی و عملی تعداد بیشتری از مردم باشیم. در مهاجرت ذهنی فرد تعلق خاطر ذهنی خود را به وطن خاکی که در آن متولد شده و رشد کرده از دست می دهد و در حالی که در اینجا حضور دارد اما همواره با نگاه به آنجا زندگی کند. او ممکن است در نهایت مانند بعضی دیگر از هم وطنان خود اقدام به مهاجرت عملی از کشور کند. هر دو شکل از مهاجرت حتی در سطح ذهنی آن موجب از دست دادن بخش مهمی از سرمایه های انسان کشور در مسیر دستیابی به هدف متعالی استقرار جامعه اسلامی خواهد شد(۱۲).

وجه اقتصادی –طبقاتی تنش ها و ناآرامی های کارگران ۱۳۹۲-۱۳۹۸

تبعیض اقتصادی خود عاملی برای ایجاد تکثرهای هویتی و شکل گیری طبقات اجتماعی[13] است. اگر چه طبقات اجتماعی خود عاملی برای توسعه هستند اما اگر میزان شکاف میان طبقات افزایش یابد به عاملی برای ایجاد تنش اقتصادی و ایجاد نا آرامی تبدیل می شود . بنابراین یک مدیریت سیاسی کارآمد «تنوع» را «فرصت» تلقی می‌کند و با ایجاد هم پوشانی میان هویت ها از تنش‌های هویتی جلوگیری می‌کند و جامعه را به سمت سامان اجتماعی، که لازمه توسعه است، سوق می‌دهد.

از ابعاد پدید آورنده تنش و ناآرامی در دوره مذکور مرتبط با وجه اقتصادی–طبقاتی این دوره است. بحران های اقتصادی که ضمن فرایند گذار از سرمایه داری تجاری و سرمایه داری صنعتی به سرمایه داری مالی در دولتهای نهم و دهم شکل گرفتند که نمود آنرا می توان در نوشدن شعبه ها و ساختمانهای بانک ها و پدید آمدن موسسات مالی و اعتباری متنوع دانست که پس از دوره ای با بحرانهای مالی مواجه شدند. دلیل پدید آمدن سرمایه داری مالی نیز تحریم های اقتصادی[14] و دور زدن آنها بود که با تمایل برخی جریانها برای بهره برداری از وامها و سودهای کلان اقتصادی با پرداخت حداقل مالیات ، توسعه آنها رشد بی سابقه ای یافت. این موضوع پیامدهایی نظیر پول شویی و رشد بی سابقه حجم نقدینگی در جامعه را به همراه داشت. این بحرانها که به تبع این رویکرد کلان پدید آمد، سبب بحران اقتصادی و ایجاد نارضایتی در طبقات پایین اجتماع و علی الخصوص کارگران شد. با این تفاصیل با کنش گری طبقات بالا برای حفظ قدرت به اسباب این قدرت یعنی بازار بورس، خزانه داری دولت، بانک های مرکزی و موسسات مالی و بانکی به تمرکز سرمایه، کاهش مالیات بر ثروت و بر شرکت ها، کاهش بودجه رفاهی دولت، وضع قوانین کار محدود کننده و غیره توجه خود را معطوف کردند. مهمترین نمود کنش گری طبقاتی از بالا تحمیل سیاست ریاضت اقتصادی بر عامه مردم و کارگران و سیاست های مربوط به مالیات و اشتغال است. در شرایط بحرانی پدید آمده در این دوره دولت میان طبقات بالا و کارگران و کنش ها و خواسته های آنها گیر افتاد که نمونه آن افزایش یا کاهش مالیاتها و قیمت ها و یا تغییر یا تداوم سیاست های رفاهی در آن میان است. در این بحران رشد بی سابقه بازار اعتبار پولی، کاهش سرمایه گذاری تولیدی، کاهش نرخ رشد اقتصادی و حتی منفی شدن آن ، تورم لجام گسیخته، رشد بی سابقه بیکاری، سیاست ریاضت اقتصادی، سیاست های ضدرفاهی و ضد کارگری، تعارض میان نهادهای مالی و بانکی و نیروی کار عمومی جامعه و در نهایت شکل گیری فقر و فساد گسترده ناشی از پدیده های تله فقر و تله فساد بود. نتیجه این امر شکاف طبقاتی زیاد و بی سابقه در ایران و ضعیف شدن طبقه کارگر، مهاجرت گسترده به حاشیه شهرهای بزرگ و شکل گیری طبقه فرودست کارگری بود. مطابق آمار در این دوره فاصله درآمد دهک های پایین و بالای درآمدی جامعه به بیش از ۱۶ برابر رسیده که در تاریخ ایران بی سابقه بود. همچنین بیش از ۴۸ درصد جمعیت کشور یعنی حدود چهل میلیون نفر با درآمد ماهیانه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دو میلیون تومان در این دوره یعنی از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ زندگی می کردند(۱۰). بر این اساس پدید آمدن ناآرامی و تنش، رفتار جمعی اعتراض آمیز در میان کارگران و دانشجویان و حمایت دانشجویان از ناآرامی های کارگری که دو هویت مجزا در جامعه محسوب می شوند، جملگی حکایت از اهمیت نارضایتی ها در بعد اقتصادی دارند(۱۳).به نظر گلدستون هر نوع شرایط محیطی که کارآمدی و عدالت را در جامعه از بین ببرد موجب قطع ارتباط نخبگان (دانشجو) و نابودی حمایت مردمی (کارگران) و افزایش اعتراضات اجتماعی می گردد(۱۴).

یکپارچگی هویتهای متکثر در تنش ها و ناآرامی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ ایران

در تنش ها و ناآرامی های دوره ۱۳۹۲تا ۱۳۹۸ این استعداد و ظرفیت پیدا شد که بواسطه کاهش ظرفیت سرکوبگری نیروهای امنیتی و سیاسی، هویتهای اجتماعی بدون آنکه با یکدیگر هماهنگ باشند به هم بپیوندند و یک زنجیره هم ارزی از خرده جنبش های گوناگون و متکثر اما با شعارهای نسبتا مشخص ایجاد کنند. این موضوع علی رغم وجود شکاف ها و اختلافهای هویتی عمیق با یکدیگر صورت گرفته است. البته باید بیان داشت که این اتحاد بواسطه شکل گیری نوعی جریان پوپولیستی است که بتواند از وضعیت بدون پاسخ ماندن مطالبات اقشار و هویات متکثر اجتماعی استفاده کرده و با پیوند زدن لایه های گوناگون جامعه جنبشی آنها را در پشت خود بسیج کند. لاکلائو این نوع از اتحاد هویتهای متکثر را به نوعی نظریه پردازی کرده و آنرا «زنجیره های هم ارزی[۱۵]» می نامد که به نوعی به هم پیوستگی جنبشی لایه های گوناگون جامعه در شرایط تنش ها و ناآرامی هاست. در صورتی که جریان پوپولیست یا بسیج کننده پوپولیست درون حکومتی باشد ظرفیت تخریب گری زنجیره های هم ارزی پایین می آید اما اگر برون حکومتی باشد می تواند به سمت ایجاد تنش و ناآرامی سیاسی فراگیر برای حاکنیت و تغییر نظام سیاسی بیانجامد.در این زمینه می توان به جنبش وال استریت در آمریکا اشاره داشت که در سال ۲۰۱۱ در نیویورک آغاز شد و جنبشی علیه نظام اقتصادی و نابرابری ها اجتماعی در آن کشور بود. این جنبش در عمل و کنش سیاسی بی واسطه و اجتماعی در جهت پیشبرد خواست های طبقات پایین جامعه بود که عمدتا سویه ای پوپولیستی داشت و از این نظر می توان با تنش ها و ناآرامی های دوره مذکور در ایران مقایسه اش کرد. از مهمترین وجه های اتحاد هویتهای متکثر در تنش ها و ناآرامی ها، یافتنِ جنبه آنارشی گون در آن است بدین معنا که نارضایتی گسترده و شیوه سازماندهی کارآمد جنبش اعتراضی هدفی غایی ندارد و هدف آن آغاز کردن گفتگو و فهم پذیر کردن طبقات بالا یا مسلط درباره ابرابری درآمدها در جامعه است. گرایش آنارشیستی در ناآرامی ها و تنش های دوره مذکور در کشور نیز بسیار پررنگ بود که بخشی از آن را در شعارهای ضد جناحی و عبور از جناح های سیاسی به نمایش گذاشت. گرایش آنارشیستی بوجود آمده در اتحاد هویتهای متکثر بدین معنا است که جنبش از نوع اصلاحات نیست و دارای اهداف مشخص و رهبران معینی نیز نیست زیرا صرفا بحث اتحاد در موضوع دگرگون کردن کلیت نظام و نظم مستقر است امری که اتحاد بخش برای هویت های متکثر است بنابراین جنبش های این دوره بیش از هر چیز اقتدارگریزانه و تخریب گر می شود(۱۰).

همچنین در تنش ها و ناآرامی های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸ گروههای خارجی با هویت های مختلف نیز با یکدیگر متحد شدند. در این دوره اپوزیسیون نظام نظیر سلطنت طلبان به ریاست رضا پهلوی، مجاهدین خلق (منافقین) به ریاست مریم رجوی، تشکل ها و گروههای لیبرال و آزادی خواه به شکل پراکنده در کشورهای اروپایی و آمریکایی علیه ایران فعالیت می کنند، در کنار یکدیگر و در حمایت از تنش ها و ناآرامی های مرتبط با دانشجویان و کارگران بودند. در این تنش ها و ناآرامی ها این اپوزیسیون ها نقش بسیار مهمی در گسترش این اعتراضات بازی کردند. آنها با در اختیار داشتن شبکه های ماهواره ای تسلط بر بخشی از کاربران شبکه های اجتماعی و ارتباط گیری با برخی طرفداران داخلی خود توانستند مانور سیاسی گسترده ای در اعتراضات اخیر داشته باشند. نفوذ این اپوزیسیون ها در بین برخی سیاست مداران آمریکایی و اروپایی باعث افزایش نقش آنها شد(۱۵).

نقش شبکه های اجتماعی در تجمیع هویت های متکثر و بروز نا آرامی ها

از عوامل موثر در تکثر هویت های اجتماعی شبکه های اجتماعی هستند. این شبکه های اجتماعی حرکتهای اجتماعی و مانورهای خیابانی را ساماندهی می کنند: «شبکه های اجتماعی در عصر فن آوری اطلاعات و ارتباطات اثرات زیادی داشته اند تا جایی که آثار انکار ناپذیری در به وجود آوردن بحرانها، رفتارها، حرکات اعتراضی شورشها و همچنین مقابله با بحران ها و مشکلات اجتماعی دارند».(۱۶) در ناآرامی های سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ ایران شبکه های اجتماعی نظیر تلگرام و توییتر نقش مهم و بازیگر اصلی برای تکثر هویت اجتماعی بوده اند. در ناآرامی های دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ که اعتراضات دارای رهبری مشخصی نبود، نقش رسانه ها بویژه شبکه های اجتماعی برای تهییج کارگران و دانشجویان برای حمایت از آنها بسیار پررنگ بود. و از طریق این شبکه ها بود که هویت های متکثر نیروهای درگیر مانند کارگران و دانشجویان در جامعه در مقابل حاکمیت تهییج و تشویق به حضور در خیابانها شدند. در این باره دو دسته رسانه نقشی فعال داشتند: رسانه های دیداری و شنیداری مانند شبکه های تلوزیونی ایران اینترناسیونال، من و تو، بی بی سی فارسی و غیره و دسته دیگر سایتها و شبکه های اجتماعی نظیر توییتر، تلگرام و اینستاگرام بودند. مهمترین شاخصه این رسانه ها برای تجمیع کارگران و دانشجویان برای تهییج و تحریک مردم به تنش و ایجاد ناآرامی نسبت به حاکمیت، تولید محتوا و انتشار اخبار ضد و نقیض در این رسانه ها، ایجاد بحران مشارکت از طریق به نقد کشیدن مشروعیت نظام بوده است. یعنی دیگری سازی هویتی که بر اساس آن هویت های متکثر اجتماعی در آن موضوع وحدت داشتند. شبکه های اجتماعی از این رو که پایگاه یا مجموعه ای از پایگاه هایی هستند که مهیا کننده امکان دو طرفه میان مخاطب و منبع خبری

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

هستند، بستری برای بروز علاقه مندی ها، افکار و فعالیت های کاربران و اشتراک آنها با دیگران هستند و دیگران نیز با این قابلیت سروکار دارند که در افکار و فعالیت های همدیگر سهیم شوند زیرا از ویژگی های این محیط، سهولت در برقراری ارتباط های اجتماعی است. این شبکه ها محل گردهمایی صد ها میلیون کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ به تعامل و تبادل اطلاعات می پردازند و اشتراکات هویتی می یابند. در واقع این شبکه ها برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده اند(۱۷). با این توصیفات است که این شبکه ها می توانند تأثیر بسزایی در جمع کردن هویتهای متکثر اجتماعی در هدفی مشخص داشته باشند و علاوه بر نقش رسانه ای خود در فضای مجازی، ظرفیت ساماندهی و سازماندهی حرکت های اجتماعی و مانورهای خیابانی را در فضای اجتماعی داشته باشند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله با توجه به دو موضوع الف)عوامل مسبب یکپارچگی هویت های متکثر (دانشجو و کارگر) بر مدیریت ناآرامی ها و ب) تحلیل موضوع بر اساس تحلیل گفتمان (زنجیره هم ارزی و تئوری دولت و ملت سازی) برای یکپارچگی هویت های مختلف نتایج زیر بدست آمدند: اول اینکه ناآرامیها و تنش هایی که دارای خصیصه های هویتی برخاسته از عناصر "تبعیض اقتصادی" و "عدالت همگانی" هستند اولاً در شرایط ناآرامی ها سبب پدید آوردن یکپارچگی در هویت های مختلف و متکثر نظیر دانشجویان و کارگران می شوند و این امر به سبب عناصرِ گفتمانی ناکامی برای پیشرفتهای مدنی و نوگرایی است و ثانیاً تنش ها و ناآرامی هایی که صرفاً از طریق سرکوب و امنیتی شدن مدیریت نشدند و نقش رسانه هایی نظیر رسانه ملی برای پوشش و رفع مشکلات کارگران و دانشجویان پررنگ بوده، تنش ها برخلاف سویه های اقتصادی–طبقاتی، هویتی–قومیتی آنها؛ باعثِ کارکردی در دفاع از یکپارچگی هویت ملی گشته است. در این زمینه باید توجه داشت که در دهه های اخیر رویه مدیریتی کشور به نوعی در جهت نادیده گرفتنِ خواسته های اقتصادی کارگران (در سالهای ۱۳۹۲–۱۳۹۸) و حمایت دانشجویان از خواسته های کارگران بوده است که این موضوع سبب یکپارچگی در هویتهای متکثر کارگر و دانشجو شده است. در بررسی مدیریت ناآرامی، اولینِ فرضِ تحقیق مسلم گرفتنِ کارکرد هویت های جمعی برای بقای جامعه است. اینکه حداقل در دهه های اخیر در ایران، کارگر و دانشجو با اپوزیسیون های مخالف با جریان مسلط تنها تا جایی اعلام همبستگی داشته اند که خللی به بقای تاریخی و فرهنگی ایرانی وارد نشود. در پذیرش این نتیجه هرچند می بایست برهه هایی را مانند حوادث سال ۱۳۹۶ (پیوند مشکلات اقتصادی با اعتراضات سیاسی)، اعتراضات کارگری و حمایت دانشجویان از آنها برای هبود وضع معیشتی آنها شواهدی را بدست می دهد که طبق آن می توان نشان داد که هویتهای متکثر نظیر دانشجویان و کارگران در راستای حل موضوع اقدامات مهمی انجام داده اند که برجسته ترین آنها همبستگی هویتها در قالب ملت سازی بوده است. اما نکته ای که قابل تأمل است، استفاده ایدئولوژی غالب از هویت های متکثر با هژمونی اصلی در جهتِ پایداری دولت هاست. مداخله هژمونیک، نمونه‌ای از اَعمال سیاسی‌اند که کارکردی هم‌جهت با زنجیرهٔ هم‌ارزی دارند. در واقع، پدید آورندهٔ زنجیره‌های هم‌ارزی در شرایط ناآرامی هستند؛ هویت‌های متفاوت و نیروهای سیاسی متمایز نظیر کارگر و دانشجو را حول دال مرکزی یعنی عدالت برای همه ایرانیان پیوند می‌دهند و از عناصر پراکنده و متنوع در شرایط ناآرام، نظم اجتماعی نوینی را پدید می‌آورد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Justice	عدالت
2. Social unrest	ناآرامی اجتماعی
3. Economic discrimination	تبعیض اقتصادی
4. Universal justice	عدالت همگانی
5. Ethics	اخلاق
6. Economical justice	عدالت اقتصادی
7. Racism	نژاد پرستی
8. Gender discrimination	تبعیض جنسیتی
9. Discourse	گفتمان
10. Aryan nationalism	ناسیونالیسم آریایی
11. Ethnicism	قومیت گرایی
12. Religious demands	مطالبات مذهبی
13. Social classes	طبقات اجتماعی
14. Economic sanctions	تحریم های اقتصادی
15. Equivalence chains	زنجیره های هم ارزی

References

1. Shorey P, Vinogradoff P. (1924). Universal justice in Aristotle's ethics. Classical Philology; 19(3): 279-281
2. Rawls J. (1971). A theory of justice. [M.A. thesis]. Cambridge: Harvard University Press.
3. Olsen JA. (1997). Theories of justice and their implications for priority setting in health care. Journal of Health Economics; 16(6): 625-639.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

4. Flew A. (1985). The concept, and conceptions, of justice. Journal of Applied Philosophy; 2(2): 191-196.
5. Karimi F, Mokhtari M, Kiakajouri D, Agha Ahmadi G. (2022). Factors affecting the success of women entrepreneurship with regard to the moderating role of social justice as a moral virtue. Ethics in Science and Technology; 17 :133-142. (In Persian).
6. Ghaderi M, Javadi MH, Jafarzadeh S. (2021). Adaptation of civil liability & social justice: attention to the component of intentional fault. Ethics in Science and Technology; 16 (2) :3-9. (In Persian).
7. Jorgensen M, Philips L. (2002). Discourse analysis as theory and method. Translated by Jalili H. (2013). 3rd ed. Tehran: Ney Publication. (In Persian).
8. Shaw SE, Bailey J. (2009). Discourse analysis: what is it and why is it relevant to family practice? Fam Pract.; 26(5):413-419.
9. Moghadami M. (2011). Laclau and Mouffe discourse theory. Social Cultural Knowledge; 2(2): 91-124. (In Persian).
10. Poursaeed F. (2018). Protests and disturbances of December 2016. 1st ed. Tehran: Institute of Strategic Studies. (In Persian).
11. Shahali S. (2018). Who were on the streets? 1st ed. Tehran: Institute of Strategic Studies. (In Persian).
12. Poyafar M. (2018). January is the month of protest and unrest; An explanation of the consequences of the institutionalization of the cultural matter. 1st ed. Tehran: Institute of Strategic Studies. (In Persian).
13. Ghate C, Leand Q, Zak P. (2002). Optimal fiscal policy in an economy facing sociopolitical instability. 1st ed. Berlin: German Institute for Economic Research
14. Shahi A, Abdoh-Tabrizi E. (2020). Iran's 2019-2020 demonstrations: The changing dynamics of political protests in Iran. Asian Affairs; 1(1).
15. Hoseinizadeh Arani S, Moradi A, Vosoughi Asl A, Mehtari Arani M. (2022). An analysis of the social origins of the formation and occurrence of social dissatisfaction in Iran (case study, Tehrani citizens). National Security Quarterly; 12(43): 227-260. (In Persian).
16. Estiri M. (2017). Investigating the effect of social network usage on social identity, motivation and lifestyle. New Research in Humanities; 3(20): 43-65. (In Persian).
17. Pempek T, et al. (2009). College students' social networking experiences on Facebook. Journal of Applied Developmental Psychology; 30: 227–238.

Archive of SID.ir